

جرم اقتصادی و کنترل آن^۱

نویسندگان: ژان لوک بَچِر^۲ و نیکلا کِلُوژ^۳

مترجم: شهرام ابراهیمی^۴

چکیده

معمولاً، جرم‌هایی را که برای دستیابی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند جرم‌های اقتصادی می‌نامند. از جمله منابع شناخت این جرم‌ها می‌توان به آمارهای پلیسی و روش‌های تحقیق کیفی مانند مطالعه پرونده‌ها و تحقیق از بزهدیدگان اشاره کرد. شیوه‌های کنترل جرم اقتصادی به معیارهای مورد اولویت کنشگران مانند منطق عدالت‌گستری، منطق اقتصادی و منطق تبلیغاتی بستگی دارد که گاهی می‌توان آنها را با یکدیگر جمع کرد. راه‌بردهای پیش‌گیری از این نوع جرم‌ها به لحاظ منطقی از نوع تعریف و توضیح‌های مختلف مربوط به این نوع جرم ناشی می‌شود. به نظر می‌رسد که به کارگیری شیوه‌های پیش‌گیرانه وضعی برخاسته از تبیین‌های خرد آسان‌تر و مؤثرتر باشد. کشف جرم اقتصادی به‌طور گسترده‌ای بر بررسی اطلاعات مبنای داد و ستد از قبیل هویت دادوستدگران و کنشگران، هدف‌نهایی معامله، چگونگی اجرای قرارداد، و مبدأ و مقصد پول صورت می‌گیرد. راه‌بردهای بازدارندگی در مورد این جرم‌ها نیز عبارت‌اند از اعمال و اجرای ضمانت‌اجراهای کیفری (رسمی یا غیررسمی) یا تهدید به اجرای آنها که از این میان جزای نقدی بیش‌ترین تأثیر بازدارندگی را دارد.

واژگان کلیدی

جرم اقتصادی، منابع شناخت، راه‌بردهای کنترل، راه‌بردهای کشف، راه‌بردهای بازدارندگی،

جزای نقدی

1. La criminalité économique et sa régulation
2. JEAN-LUC BACHER
3. NICOLAS QUELOZ

تعریف و ویژگی‌های اصلی جرم اقتصادی

دو رکن اصلی جرم اقتصادی در جرم‌شناسی عبارت است از طیف گسترده رفتارهای مجرمانه و مجموعه‌ای از واکنش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی. برای تعیین محدوده جرم اقتصادی، ابتدا باید ویژگی‌های این جرم و وجه تمایز آن با دیگر رفتارهای جنائی را تعیین کرد.

معمولاً، جرم‌هایی را که برای دستیابی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند جرم‌های اقتصادی می‌نامند. البته، این مانع از آن نیست که از گذر ارتکاب این جرم‌ها امتیازهای غیرمالی نیز حاصل شود. جرم‌انگاری در این حوزه همچنین در پی حمایت از ارزش‌ها و نیز سرمایه‌هایی مانند حسن‌نیت، صداقت، کارکرد صحیح نهادهای اقتصادی، رقابت آزاد و امنیت در امور تجاری و مبادلات اقتصادی است.

جرم اقتصادی می‌تواند در بسترهای گوناگون یا در بطن فعالیت‌های مشروعی مانند بخش‌های مالی، بازار دولتی، بودجه دولتی (مالیات و سایر منابع مالی)، مصرف، مبادلات تجاری، تولیدات صنعتی، خدمات اداری و قضائی، اعمال قدرت سیاسی و نیز در بیش‌تر روابط قراردادی ارتکاب یابد.

بی‌تردید، مفهوم بنیان‌گذار در قلمرو جرم اقتصادی «جرم یقه‌سفیدان» ساترلند است. ساترلند اقدام‌های زیر را جرم یقه‌سفیدان می‌دانست: فعالیت‌های غیرقانونی در بستر فعالیت‌های حرفه‌ای توسط افراد قابل احترام و از طبقه اجتماعی بالا.

البته، امروزه این برداشت از جرم اقتصادی هم بسیار محدودکننده و هم گسترده است: محدودکننده از این منظر که فقط مدیران شرکت‌ها را دربرمی‌گیرد و بسیار گسترده از این جهت که رفتارهایی را دربرمی‌گیرد که نه فقط قوانین کیفری بلکه انواع مختلف قوانین آنها را منع کرده‌اند. بنا بر این، از آنجا که امروزه حوزه‌های متنوع اجتماعی وجود دارد و طبقه‌های میانه یا پایین نیز مرتکب این نوع جرم می‌شوند، بهتر است تعریفی جامع انتخاب شود.



رس و بیدرمن^۱ در سال ۱۹۸۰ جرم یقه‌سفیدان را چنین تعریف کردند: جرمی که از رهگذر سوءاستفاده از قدرت، جایگاه، نفوذ یا اعتماد در چهارچوب نظم اقتصادی یا سیاسی مشروع با هدف کسب امتیازی غیرقانونی برای خود یا سازمان خود ارتکاب می‌یابد. مزیت این تعریف آن است که (الف) این جرم جرم طبقه‌ها نیست و (ب) فقط به ممنوعیت‌های جنائی محدود نشده است.

در واقع، امروزه جرم‌های اقتصادی در بستر زندگی اقتصادی روزمره و نه با توسل به خشونت و زور بازو و نیروی جسمانی بلکه همراه با تقلب و سوءاستفاده از هوش، استعداد و تدبیر یا فناوری‌های مدرن ارتکاب می‌یابند و ارتکاب آنها مستلزم داشتن اطلاعات و دانش اقتصادی، تجاری یا مالی است. بدین ترتیب، جرم اقتصادی به کمک یا در پناه ساختارها و ابزارهای اقتصادی مشروع بدون توسل به خشونت یا تهدید ارتکاب می‌یابد و عبارت است از استفاده کردن از موقعیت‌های ناشی از اعتماد و آزادی عمل و اختیاری که کنش‌گران در روابط اقتصادی دارند. با این وصف، در این مقیاس، ارتکاب جرم اقتصادی برای همه متصور و ممکن نیست. زیرا، تا حد زیادی به صلاحیت، قدرت یا سرمایه اجتماعی بستگی دارد که مجرمان بالقوه می‌توانند از آن سوءاستفاده کنند.

منابع شناخت جرم اقتصادی

از بین منابع موجود در این زمینه می‌توان به آمارهای پلیسی اشاره کرد. ایراد و محدودیت این نوع آمار آن است که فقط جرم‌های کشف‌شده را شامل می‌شود. اما، در کنار روش‌های تحقیق کمی و آمار می‌توان به روش‌های تحقیق کیفی مانند مطالعه پرونده‌ها به‌عنوان منبع شناخت این جرم اشاره کرد. این پرونده‌ها دربردارنده اطلاعات مهمی مانند جرم‌های کشف و شناسایی‌شده، ابزارهای مورد استفاده، روابط بین بزه‌کاران، شکل و اندازه شبکه‌های جنائی، منافع عمومی

جرم و غیره اند.

کانادا، در همین زمینه، آمار سالانه میزان کارتهای اعتباری در- جریان و نیز تعداد کارتهایی را که موضوع استفاده متقلبانه قرار گرفته اند در اختیار عموم قرار می دهد.

تحقیق از بزه دیدگان نیز برای برخی از شکل های جرم اقتصادی فایده انکارناپذیری دارد. در همین خصوص، نظرسنجی های بسیار معناداری برای ارزیابی میزان تقلب کارکنان یک شرکت صورت گرفته است. این امر انجام چنین نظرسنجی هایی را نزد مدیران شرکتها برای ارزیابی وسعت جرمهایی که به کارمندان شان نسبت می دهند فایده بخش ساخته است.

اما، اگرچه نظرسنجی های مربوط به بزه کاران خود- بیانگر^۱ بسیار نادراند، فایده آن در زمینه جرم اقتصادی بسیار است. با وجود این، قابلیت اعتماد این نوع تحقیق در مورد شکل های خفیف جرم اقتصادی در مقایسه با نوع شدید آن بیش تر است. برای مثال، می توان به نظرسنجی سال های ۱۹۵۸ و ۱۹۹۶ در کبک از میلیون ها نفر برای تعیین اینکه در چه شرایطی - خواه به عنوان فروشنده و خواه به عنوان خریدار یا ارائه کننده خدمات - در اقتصاد زیرزمینی شرکت می کنند اشاره کرد.

مزیت برخی از نظرسنجی ها این است که مختلط اند (تحقیق از بزه دیدگان و بزه کاران خود- سنج). از جمله آنها تحقیقات مربوط به فساد اداری و سؤال در مورد فراوانی دعوت برای پرداخت رشوه و پاسخ آنان به این دعوت است.

شدت و میزان و احتمال ارتکاب برخی از رفتارهای مجرمانه را می توان از رهگذر برنامه ای از پیش طرح ریزی شده نیز ارزیابی کرد؛ بدین صورت که، عده ای از افراد (یا شرکتها) را در برابر موقعیت ارتکاب جرم اقتصادی قرار داد و از آنان پرسید که در چنین موقعیت هایی چه واکنشی از خود نشان خواهند داد. از این نوع تحقیق برای سنجش و ارزیابی تمایل افراد به ارتکاب جرم تقلب مالیاتی



و نیز تفاهم غیرقانونی در مورد قیمت، ارتشاء، تقلب در آمار فروش و انتشار مواد آلاینده در هوا استفاده می‌شود.

در نهایت، خاطرنشان می‌شود که از گذر تحقیق تجربی می‌توان برآورد کرد که چند درصد از افراد یا شرکت‌های مستعد ارتکاب جرم از اندیشه به فعل عبور کرده مرتکب جرم می‌شوند. در واقع، بدون تحریک افراد به ارتکاب جرم، می‌توان آنان را در مقابل یک فرصت مجرمانه قرار داد و رفتار و واکنش‌شان را مشاهده کرد.

جرم اقتصادی و تهدید امنیت داخلی (ملی)

جرم اقتصادی در تمام حوزه‌های فعالیت انسان - یعنی سلامت و بهداشت، تفریح، حمل و نقل، بازار و بازار کار - بزه‌دیده (افراد یا شرکت‌ها) ایجاد می‌کند. بنا بر این، کسی نمی‌تواند به طور کامل از گزند جرم اقتصادی به دور یا در امان باشد. بزه‌دیدگی اقتصادی برای شرکت‌های بزرگ امری پذیرفته شده است. زیرا، دوسوم آنها می‌پذیرند که به طور منظم هدف این جرم قرار می‌گیرند. اما، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان وسعت بزه‌دیدگی اقتصادی را کاهش داد؟

جرم اقتصادی زمانی که به شکل اقدام علیه محیط زیست ارتکاب می‌یابد، علاوه بر خسارت مادی، کیفیت زندگی، سلامت و زندگی انسانی را نیز تهدید می‌کند. این جرم می‌تواند به کارکرد صحیح نهادهای اقتصادی (مانند بازار، بورس و شرکت‌ها) نیز لطمه زده و موجب سلب اعتماد کنش‌گران اقتصادی شود؛ همان گونه که پروندهٔ انرون^۱ در ایالات متحد آمریکا به اعتماد سرمایه‌گذاران بازار بورس و در نهایت به رونق اقتصادی این کشور آسیب رساند.^۲ شکل‌های

1. Affaire Enron

۲. پس از ورشکستگی این شرکت در سال ۲۰۰۱، دولت آمریکا تلاش کرد تا با دو برابر کردن کیفرهای پیش‌بینی‌شده برای جرم تنظیم و ارائهٔ حساب‌های تقلبی و تسری مسؤلیت کیفری به کلیهٔ اشخاص درگیر در اعلام حساب‌های تقلبی، اعتماد از دست‌رفته سرمایه‌گذاران را جلب کند. برای اطلاع بیشتر، ر.ک.: دلماس مارتی؛ حقوق کیفری و جهانی شدن؛ مترجم: نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین؛ [دیباچه] در دلماس مارتی؛ جنبش‌های سیاست جنایی؛ مترجم: نجفی‌ایرندآبادی، علی‌حسین؛ انتشارات میزان، ۱۳۸۷ (م).

خفیف جرم اقتصادی مانند بازاریابی فریبنده تمام بخش‌های صنعت – به‌ویژه بخش فروش از رهگذر تلفن – را بی‌اعتبار می‌کند. جرم پول‌شویی نیز به سهم خود مانع کارکرد صحیح سامانه دادگستری که یکی از وظایف آن مصادره منافع ناشی از جرم و در صورت اقتضاء استرداد مال به بزه‌دیدگان جرم‌های اقتصادی است می‌شود. جرم‌های مالیاتی و فساد اداری نیز، علاوه بر آسیب به اعتماد طرف‌های دعا و مؤدیان مالیاتی، به کارکرد صحیح دولت و نهادهای آن زیان وارد می‌کند.

علاوه بر آن، به نظر می‌رسد که در چند سال اخیر، جرم اقتصادی و مالی جنبه بین‌المللی و فراملی به خود گرفته است. این وضعیت تقسیم‌بندی حقوق کلاسیک مبنی بر وابستگی سرزمینی یا حاکمیت نهادهای قضائی داخلی را زیر سؤال برده و محدودیت و حتی ناتوانی این نهادها را علنی کرده است.

بنا بر این، اگرچه جرم اقتصادی در آمار رسمی بزه‌کاری جایگاه بالایی ندارد، پیامدهای آن بسیار زیاد و نگران‌کننده است. در واقع، بر اساس نوشتگان جرم‌شناختی امریکا، خسارت ناشی از جرم‌های اقتصادی بیست تا چهل برابر بیش‌تر از جرم‌های خیابانی است. در آلمان نیز، اگرچه جرم‌های اقتصادی در آمار بزه‌کاری ثبت‌شده پلیس جایگاه پایینی دارد (کم‌تر از ۲٪)، در عوض منشأ ۶۰٪ از ضرر و زیان‌های ناشی از جرم شناخته‌شده برای پلیس است.

شیوه کنترل جرم اقتصادی و کنشگران خصوصی

شیوه‌های کنترل جرم اقتصادی به معیار و منطق مورد اولویت از نظر کنشگران بستگی دارد. از جمله این معیارها می‌توان به منطق عدالت‌گستری، اقتصادی و تبلیغاتی اشاره کرد. منطق عدالت‌گستری در پی مجازات رفتارهای مجرمانه، منطق اقتصادی در پی کاهش هزینه‌های بزه‌دیدگی و منطق تبلیغاتی در پی ارائه تصویری مطلوب از بزه‌دیده است. البته، گاهی این معیار و منطق‌ها را



می‌توان با یکدیگر جمع کرد. برای مثال، پی‌گرد کیفری در مواقعی که به محکومیت متهم و جبران خسارت بزه‌دیده منتهی شود و به بزه‌دیدگان اجازه اثبات سرزنش‌ناپذیری را بدهد می‌تواند با هر سه منطق منطبق باشد. اما، گاهی جمع و سازگاری هر سه منطق ممکن نیست. مصداق این حالت زمانی است که خواسته مدعی ناچیز بوده و هزینه پی‌گرد کیفری و مدنی آن برای مدعی (شاکی) نسبت به منفعت ازدست‌رفته بیش‌تر است. برای مثال، از منظر منطق اقتصادی، عدم پی‌گرد یک تقلب با مبلغ ناچیز نسبت به بیمه یا تقلب در کارت بانکی برای بزه‌دیده اولویت دارد. در واقع، اگرچه منطق کشف و مجازات اقتضاء دارد که هر دعوایی پی‌گرد و رسیدگی شود، این نوع واکنش نسبت به جرم به ورود هزینه‌هایی بیش‌تر از زیان قابل اجتناب بر بزه‌دیده منتهی خواهد شد.

اما، علاوه بر این منطق‌ها که حاکم بر کنترل جرم اقتصادی است، شایسته است که بین پی‌گرد اختیاری و الزامی این نوع جرم قائل به تفکیک شد. در واقع، اگرچه کنترل جرمی مانند تقلب به درخواست و خواست بزه‌دیده مبنی بر پیش‌گیری و کشف این جرم و اعلام آن به مقام‌های صلاحیت‌دار بستگی دارد، اعلام و پی‌گرد جرمی مانند پول‌شویی در برخی از کشورها الزامی است. برای مثال، در کانادا، واسطه‌های مالی مکلف اند که تمام دادوستدهای با سقف بیش از ده هزار دلار و نیز دادوستدهای مشکوک را بر اساس مجموعه‌ای از معیارها گزارش کنند. مجازات متخلف می‌تواند تا پنج‌سال زندان باشد. در عوض، در سوئیس، هیچ سقف مالی در این خصوص برای اعلام وجود ندارد و اختیار خودتنظیمی به واسطه‌های مالی داده شده است.

البته، کنشگران خصوصی نیز در کنترل جرم اقتصادی نقش چشم‌گیری دارند. در واقع، انتظار از بزه‌دیدگان جرم‌های اقتصادی برای همکاری و مشارکت آنان در تحقق این امر بالا است. حتی گاهی پلیس از آنان (به‌ویژه بزه‌دیدگان صنفی) درخواست می‌کند که فرایند پی‌گرد را با هزینه خود شروع کنند یا اینکه منابع،

نیروی انسانی یا وسایل فنی تسهیل‌کننده تحقیق و یا وسایل رفت‌وآمد را در اختیار آنان قرار دهند. امروزه، جهت‌گیری سیاست دولت‌ها در زمینه مبارزه با پول‌شویی به سمت مشارکت دادن مردم و کنشگران خصوصی برای تغذیه منابع مربوط به پول‌شویی است. بنا بر این، نقش این کنشگران در این زمینه حیاتی است؛ به گونه‌ای که، ابتکار عمل مقام‌های دولتی در شناسایی موارد پول‌شویی که باید مورد پی‌گرد قرار گیرد به اطلاعات این دسته بستگی دارد؛ هرچند خود کنش‌ران خصوصی نیز در این زمینه بی‌تفاوت نبوده و معمولاً در پی کاهش زیان شرکت‌ها و ارائه تصویری مطلوب، موفق و مسؤول از شرکت اند.

راه‌بردهای پیش‌گیری

راه‌بردهای پیش‌گیری از جرم اقتصادی به لحاظ منطقی از نوع تعریف و توضیح‌های مختلف مربوط به این نوع جرم ناشی می‌شود. جرم اقتصادی را به شیوه‌های گوناگون و از منظر کلان، خرد یا روان‌شناختی می‌توان تحلیل کرد. علت این جرم در سطح کلان به مجموعه‌ای از عوامل مانند اقتصاد، بی‌کاری، نوع نظام اقتصادی (سرمایه‌داری یا دیگر انواع نظام‌ها) یا نوع فرهنگ جاری باز می‌گردد. در سطح خرد، پژوهش‌گران بر عوامل وضعی فرصت‌ساز، وضعیت اقتصادی مرتکب یا ویژگی‌های روان‌شناختی مرتکبان جرم‌های اقتصادی تمرکز دارند؛ همچنان که برخی در اغلب موارد جامعه‌سنجی و بیماری‌های روانی را منشأ رفتارهای متقلبانه می‌دانند. البته، بین عوامل کلان و خرد تبیین‌های میانه نیز مطرح شده است. عوامل سازمانی شرکت‌ها یا دولت و عوامل ساختاری یک صنعت به‌منزله یک کل یا ضعف هنجارها و کنترل حاکم بر برخی از فعالیت‌های اقتصادی در این دسته قرار دارند.

به نظر می‌رسد که به کارگیری شیوه‌های پیش‌گیرانه وضعی برخاسته از تبیین‌های خرد آسان‌تر و مؤثرتر باشد. در واقع، اگر تغییر نوع نظام سرمایه‌داری



یا کاهش میزان بی‌کاری دشوار است، در عوض، تأثیر گذاشتن بر اوضاع و احوال مادی تشکیل‌دهنده فرصت‌های مجرمانه امکان‌پذیر است. بدین ترتیب، برای کاهش خطر استفاده متقلبانه از کارت‌های اعتباری، می‌توان برای مثال عکس دارنده قانونی را روی آن چاپ کرد. یا برای پیش‌گیری از اختلاس و دیگر انواع تقلب در شرکت‌ها و نیز کشف آن، از حساب‌رسی‌های دقیق دوره‌ای استفاده کرد. به طور کلی، بزه‌دیدگان بالقوه باید به ابزارهای کنترل مجهز شوند. در شرکت‌ها، افراد مسؤل کنترل باید به‌دقت مراقب خلأهای مربوط به تقسیم صلاحیت‌ها، ارزیابی و بررسی‌های مستقل و نیز سازوکار مجوزها باشند. اگر قرار است پیش‌گیری از جرم در ابتدای استخدام نیروهای جدید در شرکت‌ها انجام شود، کارفرمایان باید پیشینه و شرح حال درخواست‌کنندگان استخدام و کاستی‌های آنها را به‌دقت بررسی کنند و از آنان بخواهند که فرم‌های استخدام را تکمیل و به همراه چند توصیه‌نامه تحویل دهند و بی‌درنگ از رهگذر تلفن درباره‌ی درستی و نادرستی اطلاعات داده‌شده تحقیق کنند. آنان باید در گماردن افراد در پست‌های حساس حساسیت به خرج داده و خلاصه‌ای از پیشینه سجل قضائی آنان را مطالبه کنند و از پیشینه شغلی و فعالیت‌های موقتی‌شان اطلاعات لازم را به دست آورند. در نهایت، برای پرهیز از به‌کارگیری نیروهای نامطلوب، می‌توان از درخواست‌کنندگان آزمون‌های روان‌سنجی گرفت. از بین آزمون‌های مطرح که امکان کشف بیماری روانی و یا جامعه‌سنجی احتمالی در مورد آنها وجود دارد می‌توان به آزمون Business – scan یا B – scan اشاره کرد. از این آزمون برای انتخاب درخواست‌کنندگان استخدام استفاده می‌شود. البته، این روش هنوز در مرحله و فرایند گرفتن تأیید قرار دارد.

خاطرنشان می‌شود که پیش‌گیری از جرم به‌منزله یکی از شکل‌های کنترل جرم دو امتیاز دارد. این اقدام می‌تواند در سطح کلان و با شیوه‌های استاندارد و کم‌هزینه انجام شود. به علاوه، بخش خصوصی پیش‌گیری از جرم را ترجیح

می‌دهد. زیرا، مخاطبان تدابیر پیش‌گیرانه همهٔ افراد یا کارکنان و بدون اعمال تبعیض‌اند. بنا بر این، این حس ناخوشایند را که شرکت برخی از افراد را به‌دقت تحت نظر دارد در بین مراجعان بر نمی‌انگیزد.

راه‌بردهای کشف

کشف جرم اقتصادی در سطح وسیعی بر بررسی اطلاعاتی که دادوستد بر اساس آن انجام می‌شود مبتنی است؛ از قبیل هویت دادوستدگران و کنشگران، هدف نهایی [معامله]، چگونگی اجرای قرارداد، مبدأ و مقصد پول و غیره. بررسی این داده‌ها در ابتدا و قبل از مداخله دیگران برعهدهٔ بزه‌دیدگان احتمالی جرم اقتصادی است. در واقع، جرم اقتصادی بدون هم‌کاری بزه‌دیده به‌سختی به اطلاع پلیس و دادگستری می‌رسد.

زمانی که جرمی اقتصادی در یک شرکت، اداره یا یک سازمان ارتکاب می‌یابد، هم‌کاران آگاه می‌توانند در اعلام این جرم مشارکت کنند. قانون‌گذاران کشورهای مختلف (به‌ویژه انگلوساکسون) برای تشویق این عده به گزارش و اعلام آنچه می‌دانند تدابیر مختلف حمایتی پیش‌بینی کرده‌اند. البته، خود شرکت‌ها نیز نوعی سیاست تشویق و گزارش و اعلام جرم‌های ارتكابی را اجرا می‌کنند. این امر موجب می‌شود که کارکنان شاهد ارتکاب ابتدا از در میان گذاشتن آن با رسانه‌ها خودداری کنند و از اینکه اعلام گزارش جرم از طرف آنان با جدیت بررسی و رسیدگی می‌شود اطمینان حاصل کنند و در عوض از حمایت در مقابل هر نوع اقدام انتقام‌جویانه از طرف افراد اعلامی بهره‌مند شوند و در صورت ورود ضرر خسارت‌شان جبران شود.

از سویی، در خصوص برخی از جرم‌ها مانند تقلب با کارت اعتباری، شرکت‌های بزه‌دیده می‌توانند از برنامه‌های رایانه‌ای برای پردازش و تجزیه و تحلیل دقیق داده‌ها استفاده کنند. هدف این ابزارها و برنامه‌ها آن است که با کمک هوش



مصنوعی، از بین داده‌های متمرکز، موارد مشکوک را جهت توجه بیش‌تر شناسایی کنند. با کمک این شگرد می‌توان با مقایسه میان رفتارهای غیرعادی وارد شده به بانک داده‌ها از یک سو و رفتارهای مجرمانه نمونه یا رفتارهای نمونه‌ای که رفتار غیرعادی باید با آن مقایسه و شبیه‌سازی شود از سوی دیگر ارتباط برقرار کرد. سامانه هوش مصنوعی از دانش و اطلاعات مربوط به گونه‌های رفتارهای مجرمانه تغذیه می‌کند و سامانه کارشناس خوانده می‌شود. با این حال، این نوع سامانه‌ها جانشین افراد مسؤل کشف جرم نمی‌شوند، بلکه به آنان در افزایش شانس بررسی موارد مشکوک و مواردی که به نظر مجرمانه می‌رسد کمک می‌کنند و شانس بررسی مواردی را که دربردارنده هیچ جرمی نیست نیز کاهش می‌دهند. مزیت این سامانه آن است که به طور مداوم و به مرور زمان که داده‌های جدید وارد می‌شود معیارهای تجزیه و تحلیل و مقایسه را روزآمد می‌کند. این سامانه توانایی شناسایی گونه‌های جدید رفتار مجرمانه و برقراری ارتباط بین آنها را که برای کارشناسان تاکنون ناشناخته بوده اند دارد.

اما، حوزه‌ای که موفقیت سامانه - کارشناس در آن امیدوارکننده است حوزه کشف جرم پول‌شویی است. نخستین دلیل آن است که افراد و مقام‌های مسؤل این مأموریت با حجم گسترده‌ای از داده‌ها روبه‌رو اند. برای مثال، در کانادا، اداره مسؤل جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اعلام عملیات مشکوک و عملیات مالی بیش از ده‌هزار دلار سالانه نزدیک به چهارده میلیون اعلامیه (اظهارنامه) دریافت می‌کند. به‌علاوه، مزیت سامانه - کارشناس نسبت به انسان، در صورتی که به طور صحیح به کار گرفته شود، این است که می‌تواند گرایش و تمایلاتی را که با چشم نامسلح نمی‌توان کشف کرد تشخیص دهد.

راه‌بردهای بازدارندگی

راه‌بردهای بازدارندگی عبارت‌اند از اعمال و اجرای ضمانت‌اجراهای کیفی‌ری یا

تهدید به اجرای آنان. زمانی که بازدارندگی بر تحمیل ضمانت‌اجراها مبتنی است، این ضمانت‌اجراها می‌توانند رسمی یا غیررسمی باشند. ضمانت‌اجرای غیررسمی در بخش خصوصی عبارت است از تهیه یک فهرست سیاه؛ یعنی، دور کردن فرد از محیط حرفه‌ای یا جلوگیری از خرید کالا یا دریافت خدمات با شرایط برابر با دیگران. اساسی‌ترین ایراد ضمانت‌اجرای غیررسمی عبارت است از اعمال مکرر آن نسبت به متهم بدون اطلاع او و عدم رعایت حقوق بنیادین وی از قبیل حق استماع در برابر دادگاه، حق دفاع، حق اعتراض نسبت به تصمیم‌های صادره و غیره. اما، ضمانت‌اجراهای رسمی بیش‌تر در حوزه حقوق مدنی یافت می‌شوند و عبارت‌اند از متوسل شدن به حق شرط در قرارداد و متزلزل کردن منافع احتمالی مجرم بالقوه. این ضمانت‌اجرا اغلب به نفع بزه‌دیده است. بدین ترتیب، مرتکب بالقوه با ملاحظه جبران خسارت احتمالی که جنبه تنبیهی دارد منصرف خواهد شد. برای مثال، ضمانت‌اجرای تقلب در حقوق کار اخراج است یا تقلب نسبت به بیمه با ضمانت‌اجرای خودداری از پرداخت خسارت از طرف بیمه روبرو خواهد شد.

اما، ضمانت‌اجراهای کیفری متفاوت‌اند. از بین این دسته، جزای نقدی به لحاظ بازدارندگی نسبت به مجرمان اقتصادی بیش‌ترین تأثیر را دارد. در واقع، اگر زندان و تعلیق مراقبتی تأثیر اندکی بر میزان تکرار جرم‌های اقتصادی دارند، تأثیر جزای نقدی در مورد این دسته انکارشده نیست و زمان تکرار جرم را به تأخیر خواهد انداخت. البته، در این خصوص اتفاق نظر نیست. برخی از نویسندگان مانند وسبورد^۱ این نوع ضمانت‌اجرا را برای مرتکبان جرم‌های اقتصادی اساسی تلقی می‌کنند. برخی دیگر مانند بریت ویت^۲ آن را به دلیل اینکه در اغلب موارد رابطه اجتماعی را قطع نمی‌کند و اطرافیان و دوستان مرتکب نیز معمولاً از این

1. Weisburd
2. Brait Wait



نوع محکومیت بی اطلاع می مانند فاقد اثر بازدارندگی می دانند. ساترلند نیز در سال ۱۹۴۰ از جنبهٔ محرمانه و سری این نوع مجازات‌ها نسبت به مجرمان یقه سفید صحبت کرده است.

جزای نقدی به محکوم امکان می دهد که در جامعه باقی بماند و فعالیت‌های عادی خود را ادامه دهد. بنا بر این، منفعت این ضمانت اجرا برای وی آن است که سرمایه اجتماعی باقی مانده برای وی را حفظ خواهد کرد. نتیجه اینکه، استفاده بی حد و حصر از جزای نقدی آن را از ذات خود تهی و مرتکبان آن را مالیات نقض قانون تلقی خواهند کرد.

بازدارندگی می تواند بر دست کاری دریافت و تلقی مجرمان بالقوه از خطر مجازات‌هایی که در صورت گذر از اندیشه به فعل با آن روبه‌رو خواهند شد نیز مبتنی شود. محققان در چهارچوب تحقیقات میدانی کوشیدند تا نسبت به مرتکبان بالقوه یا بالفعل تقلب بازدارندگی ایجاد کنند. برای مثال، گرین^۱ در سال ۱۹۸۵ از رهگذر یک شرکت تلویزیونی یک نامهٔ بازدارنده به مشتریانی که با دست کاری در اتصال به شبکه تمام شبکه‌ها را دریافت می کردند فرستاد. این نامه به گونه‌ای بود که نشان نمی داد شرکت قبلاً در جریان موارد تقلب بوده است. در این نامه اعلام شد که شرکت در دو هفته آینده به انجام تحقیق در این خصوص مبادرت و مرتکبان تقلب برپایهٔ قانون شناسایی، پی‌گرد و مجازات خواهند شد. این نامه عین عبارت قانون مربوط را ذکر و به حداکثر مجازات قانونی این جرم، یعنی یک سال زندان یا هزار دلار جزای نقدی، نیز اشاره کرد. در انتهای نامه، شرکت به متخلفان دوهفته مهلت داد تا وضعیت خود را با قانون منطبق کنند و انطباق وضعیت با قانون در این دوره برابر با عدم پی‌گرد بود.

این نوع نامه از لحاظ بازدارندگی با موفقیت زیادی روبه‌رو شد. از میان ۶۷ مرتکب تقلب، دو نفر برای پرداخت حق انشعاب خود با شرکت تماس گرفتند

و چهل نفر به سادگی وضعیت خود را با قانون منطبق و متعهد به پرداخت حق انشعاب شدند. یک سوم از تعداد ۶۷ نفر نمونه تحقیق هرگز به نامه پاسخ ندادند. این اثر سودمند نیز البته پایدار بود. زیرا، شش ماه بعد فقط دو مشترک که وضعیت خود را با قانون منطبق کرده بودند دوباره به طور غیرمجاز انشعاب گرفتند.

نتیجه‌گیری

کنترل جرم اقتصادی باید در شکل‌های مختلف صورت پذیرد و بسنده کردن به یک راه‌برد مفید نخواهد بود. زیرا، همین جرم ممکن است توسط افراد مختلف و با توجیه‌های مختلف و با درجه قاطعیت متفاوت ارتکاب یابد. بنا بر این، برای دست یافتن به حداکثر کارآمدی در بازداشتن افراد مستعد ارتکاب جرم، باید همانند حوزه تبلیغات از حرب‌ها و شیوه‌های مختلف استفاده کرد. زیرا، حساسیت همه افراد در برابر یک شیوه برابر نیست. برای مثال، همان گونه که می‌دانیم، تأثیر برخی از گونه‌های مجازات بر تکرار جرم مجرمان اقتصادی بیش‌تر است؛ همان گونه که تهدید مجازات‌های غیررسمی بر برخی از مجرمان اقتصادی بالقوه در مقایسه با ضمانت‌اجراه‌های کیفری افزون‌تر است. به‌علاوه، نباید اثر بالقوه بازدارندگی اخلاق را در بزه‌کاران اقتصادی فراموش کرد. در واقع، مجرمانی که از سرمایه اخلاقی بی‌بهره نیستند، در صورت ارتکاب جرم خود را از رهگذر سرزنش و پشیمانی مجازات می‌کنند. بنا بر این، تقویت اعتقادات مانع از گذر از اندیشه به فعل نزد مجرمان بالقوه می‌تواند مؤثر واقع شود. کنترل جرم‌های اقتصادی مستلزم روزآمد کردن مستمر شیوه‌هاست. دلیل این الزام توسعه فناوری و استفاده مجرمان از ابزارهای جدید این علم است. از سوی دیگر، راه‌بردهای پیش‌گیری، بازدارندگی و کشف مجرمان را بر آن می‌دارد تا به طور دائم با راه‌بردهای رودرروی خود منطبق شوند. عده‌ای از این دسته نیز به



مرور زمان و برحسب تجربه هم‌زمان با بهبود روش‌های مقابله، شیوه‌های خنثی کردن آن را فرا می‌گیرند.

البته، در نهایت نباید فراموش کرد که کنترل جرم اقتصادی می‌تواند آثار پیش‌بینی‌نشده و ناخوشایندی در برداشته باشد. زیرا، پیش‌گیری با شکل‌ها و گونه‌های مختلف آن می‌تواند اثر عکس داشته باشد. از میان آثار ناخوشایند می‌توان به خطر جابه‌جایی بزه‌کاری و افزایش تلاش برخی بزه‌کاران برای بهبود نحوه اقدام خود اشاره کرد. این چیزی است که انطباق ابتکاری نامیده می‌شود. در زمینه پیش‌گیری از تقلب، افراط در تدابیر پیش‌گیرانه می‌تواند اجرای برنامه‌ها را کند و پیچیده کرده یا نوعی احساس ظن و بی‌اعتمادی را ترویج کند. به علاوه، زمانی که اعلام جرم با پاداش همراه می‌شود، خطر گزارش‌های غیرواقعی نیز افزایش می‌یابد. از سویی، به‌کارگیری شیوه‌ها و وسایل جدید پیش‌گیری از جرم گاهی به بزه‌دیدگان احساس امنیت افراطی می‌دهد. این وضعیت موجب می‌شود که آنان چشم و گوش بسته به سازوکارهای پیش‌گیرانه اطمینان کرده و بی‌احتیاطی پیشه کنند.

در نهایت، خاطرنشان می‌شود که حتی شکل‌های سبک پیش‌گیری مانند حساس‌سازی و تقویت سرمایه اخلاقی نیز می‌توانند آثار دور از انتظاری در پی داشته باشند. برای مثال، تعدادی از محققان^۱ در تحقیق خود در زمینه پیش‌گیری از تقلب نسبت به بیمه، از رهگذر اغراق در برآورد خسارت، چند شرکت بیمه را به فرستادن نامه‌هایی با دلایل موجه به کسانی که در معرض ارتکاب تقلب بودند هدایت کردند. از جمله دلایل مطرح در این نامه آن بود که تقلب موجب افزایش حق بیمه شده و این امر در نهایت به ضرر افراد درست‌کار خواهد بود. مرتکبان بالقوه تقلب در پاسخ به این نامه، به‌جای تلاش برای انصراف از تقلب یا محدود

1. Tremblay, 2000

کردن میزان تقلب، برعکس بر میزان تقلب افزودند. در واقع، پیام اخلاقی این نامه آنان را از واکنش واقعی شرکت بیمه در صورت تقلب آگاه کرده بود. به طور خلاصه، این پیام که می‌خواست بازدارنده باشد به مجوز تقلب تبدیل شد.